



مجید گودرزی

کارشناس اقتصاد مسکن

در بیشتر کشورهای پیشرفته، این دولت ها و شهرداری ها هستند که میزان افزایش اجاره‌بها را تعیین و اعلام می کنند، در ایران شوراهای حل اختلاف هم مصوبه سران قوا را رعایت نمی کنند. هنوز در ایران ارزش زمانی ودیعه مستاجران صفر در نظر گرفته می‌شود؛ اما در آلمان ودیعه حداکثر به اندازه ۳ ماه اجاره است که باید در پایان قرارداد با سود متعلقه به مستاجر عودت داده شود. در ایران پفک هم قیمت گذاری و تعزیر دارد، اما مسکن را اگر مالک و موجر متری یک میلیارد دلار هم اعلام کند، نه گرانفروشی به حساب می آید و نه خریدار و مستاجر می توانند به جایی شکایت کنند. حتی استهلاک هم در ساختمان های ایران صفر در نظر گرفته می شود و هر تجهیز، حتی اگر ۱۰ سال از عمر مفید آن گذشته باشد، باید توسط مستاجر فعلی تمام و کمال تعمیر و جایگزین شود. سهم املاکی ها در تعیین نرخ ملک و اجاره از برخی مسئولان بیشتر است و املاکی ها فراتر از نمایندگان قانون گذاری می کنند و از کمیسیون قراردادهای اجاره مستاجران حقیقی مالیات بر ارزش افزوده می گیرند؛ باید میزان افزایش اجاره‌بها تنها به‌وسیله دولت با شهر داری‌ها صورت پذیرد نه بر پایه قسط و هزینه مالکان و بی اخلاقی املاکی ها که باعث رشد سوداگری در این بازار مهم می شوند، دقیقاً مانند بسیاری از کشورهای اروپایی و به‌ویژه اسکندیناوی که تابع این قانون هستند. اکنون در بسیاری از شهرهای ایران تمام حداقل مزد کارگری و کارمندی، کفایت اجاره یک واحد مسکونی متعارف را ندارد. دوره انتظار برای خانه‌دار شدن به قول شهردار تهران به ۶۹ سال رسیده است. این یعنی با ۲ بار بازنشسته شدن هم امکان خرید خانه در ایران وجود ندارد. این موضوع اهمیت دارد که ساخت مسکن به‌جای دپوی، مشمول ارزان ترین وام‌ها و تسهیلات باشد. کمک به خانه‌دار شدن مردم از درمان مشکلات اجتماعی مستاجران به‌هم‌رانب کمتر است. تمامی قراردادهای اجاره مثل ایتالیا و استرالیا باید حداقل ۱۵ساله باشد، اجاره نباید بیش از ۳۰ درصد درآمد مستاجران را شامل شود. در ایران رهن یا ودیعه بیستار، به‌صورت قرض الحسنه و با ارزش زمانی صفر در نظر گرفته می‌شود؛ اما نرخ ملک جاری است. در یک نامعاده و از ۵ سال پیش تاکنون، ودیعه مستاجران ۹۲ درصد قدرت خرید خود را از دست داده و مستاجران در این نامعاده، مسئول جبران کاهش ارزش پول ملی در نظر گرفته شده‌اند. بخش دیگر ماجرا به تورم افسارگسیخته مسکن برمی گردد که باز هم مستاجر مجبور به جبران کم کاری‌ها مسئولان هستند و وجه سوم ماجرا وام‌های ودیعه‌ای است که برای جلوگیری از کاهش قیمت‌ها در این بازار تصویب، اما به‌ندرت پرداخت می‌شود. طرح‌هایی مثل مالیات بر خانه‌های لوکس و خانه‌های خالی، یک اشتباه حقوقی بود، چراکه تا زمانی که قیمت‌گذاری کنترل نشود، هر گونه مالیات به عوارضی به‌راحتی به قیمت‌ها افزوده و باعث تشنج بیشتر در بازار مسکن می‌شود؛ باید مسکن سرمایه‌ای و مسکن مصرفی تفکیک شود. رهن مستاجر تنها باید به‌اندازه ۳ ماه اجاره باشد و برای جبران خسارت‌های احتمالی به ملک یا عدم‌پرداخت اجاره باشد و در پایان دوره اجاره با سود نامعادل به مستاجر بازگردانده شود (مثل کشور آلمان). اکنون ارزش زمانی ودیعه مستاجران در یک عرف غلط صفر منظور شده چرا که ودیعه قرض الحسنه، یک اقدام نادرست است.

خبر

جبار کوچکی نژاد:

مشکل دولت یک یادواستيضاح نیست

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در خصوص استيضاح وزیر صمت و ارزیابی از عملکرد تیم اقتصادی دولت سیزدهم گفت: خب روز یکشنبه شاهد استيضاح وزیر صمت بودیم و موافقتن و مخالفین بحث‌های خود را داشتند. از سوی دولت هم شخصی آقای رئیس جمهور از ایشان دفاع کرد و هم خود آقای قاضی‌امین گزارشی از عملکرد خود ارائه نمود اما در نهایت مجلس به استيضاح رأی داده، به اعتقاد من آنچه که رأی اجماع و خردجمعی است تحریر مردم و کشور خواهد بود. جبار کوچکی نژاد اظهار کرد: اما به عقیده من با سابقه چند دوره نمایندگی مجلس، مشکل دولت یک یادواستيضاح نیست، مشکل این دولت بحث مدیریتی هیات دولت است.نماینده مردم رشت در مجلس تصریح کرد: به نظر من آقای رئیس‌ی باید یک جابه‌جایی و تغییرات داخلی انجام دهد، برای مثال رئیس سازمان برنامه و بودجه را تغییر دادند قطعا در آنجا گشایش ایجاد خواهد شد، یک تغییرات دیگری هم نیاز است که در ساختار هیات دولت صورت دهد.منظور انتصاباتی است که مربوط به خود آقای رئیس‌است و ایشان شخصا منصوب می کنند. وی افزود: غیر از منصوبین رئیس جمهور بحث وزیرها هم است و در این قسمت راههای تغییر از استعفا و عزل تا استيضاح وجود دارد که خب اگر دولت نسبت به تغییر اقدام نکند، مجلس به این موضوع ورود می کند اما به عقیده من اینها معلول هستند و این دولت است که باید به اصل موضوع بپردازد و با ایجاد تغییرات در بین مقاماتی که منصوب رئیس‌جمهور هستند تحولی در نگاه و مسیر حرکت دولت در حوزه اقتصاد ایجاد کند. کوچکی نژاد با تاکید بر لزوم پیشبرد دیدگاه رهبری در حوزه اقتصاد با توجه به سخنرانی آغا سال نور ایشان اظهار کرد: اصل تحرک دولت در اقتصاد که مقام معظم رهبری هم بر آن تاکید داشتند اقتصاد مردمی است. وی خاطرنشان کرد: به اعتقاد من این سیستم باید پالایش شود و آقای رئیس‌ی آن‌هایی که به نگاه مقام معظم رهبری در اقتصاد نزدیک نیستند را حداقل از حوزه اقتصادی حذف کند؛ خب اگر آدم‌های خوبی هستند اینها را در بخش‌های فرهنگی و اجتماعی به کار گیرند و آنجا کار کنند اما این‌ها کار نمی‌توانند آن دیدگاهی که به آن نزدیک نیستند را اجرایی کند. عضو کمیسیون برنامه و بودجه عنوان کرد: نگاه مقام معظم رهبری مبنی بر این است که موتور محرک اقتصاد ایران سرمایه‌گذاری داخلی مردمی و سرمایه گذاری خارجی است و این دو منابع عظیم باید وارد اقتصاد ایران شود و گر نه با این منابع محدود دولت ما نمی‌توانیم اقتصاد را به حرکت در آوریم. دولت باید بسیاری از شرکت‌هایی که در اختیار دارد و زیان‌ده هستند را واگذار کند و بخش خصوصی آمادگی دارد که کار را برعهده گیرد.

آرمان ملی

محمود میر لوحی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

جامعه منتظر نتایج برنامه‌های دولت نمی‌ماند



نیروهای دولت احمدی نژاد برای مدیریت امروز کشور مناسب نیستند

یکدست شدن حاکمیت یک تجربه شکست خورده است

فقدان احزاب در کشور در ناکار آمدی مدیران تأثیر گذار است

شرایط احزاب و مطبوعات مانند دولت احمدی نژاد است

آرمان ملی – احسان انصاری: «نمی‌توان انتظار داشت جامعه به همان شکلی که منتظر نتایج برنامه‌های دولت احمدی نژاد بود امروز نیز منتظر نتایج برنامه‌های دولت رئیس‌ی باشد. ظرفیت‌ها و دغدغه‌های افراد جامعه تغییر کرده است. شرایط اقتصادی و اجتماعی و چالش‌های آن به‌شکلی است که جامعه دیگر نمی‌تواند هر سیاست و تصمیم‌گیری را تجربه کند. جامعه به دلیل اینکه نتایج چنین رویکردی را در گذشته و به خصوص دولت احمدی نژاد مشاهده کرده نمی‌خواهد منتظر بماند که در آینده چه اتفاقی رخ خواهد داد. این در حالی است که بحران‌های نیز پیچیده شده و با گذشته تفاوت پیدا کرده است.» جملات ذکر شده اظهارات سیدمحمود میر لوحی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و عضو سابق شورای شهر تهران در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. میر لوحی در این گفت‌وگو به تحلیل و بررسی مهم‌ترین چالش‌های مدیریت دولت پرداخته که در ادامه حاصل این گفت‌وگورا می‌خوانید.

جنبه‌های مختلف با قوه مجریه متفاوت است. تصمیم‌گیری در این دو فضا با هم متفاوت است. هنگامی که چنین فردی به عنوان رئیس‌جمهور کشوری مانند ایران انتخاب می‌شود که با موضوعاتی مانند توسعه، روابط منطقه‌ای و بین‌المللی، اقتصاد و... مواجه می‌شود با چالش مواجه می‌شود. یک مدیر برای مدیریت یک سازمان نیازمند برخی مولفه‌های کلیدی است.

در این زمینه ما با دو نکته مهم مواجه هستیم. نخست اینکه در کشور ما احزاب نقش تعیین‌کننده‌ای ندارند و مانند آنچه در بین کشورهای جهان مرسوم است در مناسبات سیاسی تأثیر گذار نیستند. در فضای انتخاباتی نیز این احزاب هستند که نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و با ارائه برنامه و استراتژی مسیر آینده را مشخص می‌کنند. این در حالی است که ما در ایران به دنبال برگزاری انتخابات هستیم اما یکی از مهم‌ترین ابزار آن یعنی احزاب در این بین نقشی ندارند. در ابتدای انقلاب، احزاب در کشور شکل گرفتند. با این وجود پس از مدتی به دلیل جنگ و چالش‌های دیگری که کشور با آن مواجه شد این روند مختل شد و قوانینی که ما در انتخابات داشتیم نیز نتوانست این خلأ را پر کند. به نظر می‌رسد با چنین شرایطی کار احزاب در ایران به سامان نشده و در آینده نیز نخواهد شد. تا زمانی که احزاب وجود نداشته باشد حتی دانشگاه‌ها و دانشکده‌هایی که در حال تعلیم و تربیت مدیران هستند نیز به اهداف خود دست پیدا نمی‌کنند. وضعیت به جایی می‌رسد که دانشگاه امام صادق (ع) به محلی برای پرورش مدیران با یک دیدگاه خاص تبدیل می‌شود. هر چند باید دانشگاه امام صادق (ع) را نیز بخشی از احزاب قلمداد کرد.

به هر حال مرحوم مهدوی کنی به عنوان رئیس جامعه روحانیت مبارز و جریان اصولگرایی برای طیف‌های مختلف اصولگرایان شناخته می‌شد. در چنین شرایطی دانشگاه ایشان نیز جزئی از جریان اصولگرایی شناخته می‌شود. دانشگاه امام صادق نیز در همین مسیر حرکت می‌کرد و در شرایط کنونی نیز در همین صحنه شده‌اند مشخص است که برخی از توانایی و کارآمدی لازم برای مدیریت کشور بر خوردار نیستند. نکته دوم وضعیت آقای رئیس‌است که ایشان نیز تجربه کار اجرایی نداشتند و تنها در قوه قضائیه که رویکرد متفاوتی نسبت به قوه مجریه دارد فعالیت کرده‌اند.

آیا همین موضوع سبب انتخاب مدیرانی شده که متناسب با وضعیت کنونی کشور نیستند؟

در اصل ۱۱۳ قانون اساسی آمده که رئیس‌جمهور مسئول اجرای قانون اساسی و مسئول امور اداری، استخدامی و برنامه و بودجه است. بدون تردید وظایفی که قانون به‌عهده رئیس‌جمهور گذاشته از جنبه‌های مختلف با آنچه یک مدیر در زمینه قضائی و نظامی دارد متفاوت است. در همه کشورهای جهان آموزش‌های مرتبط با این سه بخش متفاوت است و حوزه قضائی، نظامی و سیاسی و اجرایی از هم جداس‌ت و اصول و قواعد آن در دانشگاه‌های متفاوتی تدریس می‌شود. آقای رئیس‌ از زمانی که فعالیت خود را آغاز کرده‌اند در قوه قضائیه حضور داشته‌اند. این در حالی است که فضای قوه قضائیه از



شدن است. اگر تفاوتی در برخی سیاست‌ها مشاهده می‌شود به دلیل تغییر زمان است که به هر حال سال‌ها از دولت احمدی‌نژاد می‌گذرد و شرایط جامعه و جامعه جهانی تغییر کرده است. به همین دلیل برخی تفاوت‌هایی که وجود دارد به دلیل تغییر شرایط زمانه است و گر نه تفاوت جدی بین رویکردها وجود ندارد. نکته مهمی که در این زمینه وجود داشت یکدستی حاکمیت برای حمله از احمدی نژاد بود که این اتفاق برای دولت رئیس‌ی نیز در حال تکرار شدن است. در دولت احمدی نژاد همه نهادهای حاکمیتی از وی حمایت کردند. این وضعیت درباره دولت رئیس‌ی نیز وجود دارد و امروز نهادهای حاکمیتی به صورت تمام قد از دولت رئیس‌ی حمایت می‌کنند. من معتقدم تجربه یکدستی حاکمیت یک تجربه شکست خورده است که تکرار آن به سود کشور نیست.

طرفداران یکدستی حاکمیت در ابتدایی که رئیس‌ی به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد مدعی بودند که این یکدستی باعث می‌شود که دولت بتواند تصمیمات سختی را بگیرد که در نهایت به سود منافع ملی باشد. آیا در واقع چنین بود و دولت در طول بیست ماه گذشته تصمیمات سخت گرفت که در گذشته شرایط چنین تصمیم‌گیری‌هایی وجود نداشت؟ در این زمینه ما باید این واقعیت را بی‌درپیم که تکرار تجربه‌های آزموده شده در هر شرایطی امکان پذیر نیست. به هر حال شرایط جامعه ایران و جامعه جهانی تغییر کرده و در شرایط کنونی مردم ایران دارای دغدغه‌های متفاوتی نسبت به دوران احمدی‌نژاد هستند. به همین دلیل نمی‌توان انتظار داشت جامعه به همان شکلی که منتظر نتایج برنامه‌های دولت احمدی نژاد بود امروز نیز منتظر نتایج برنامه‌های دولت باشد. ظرفیت‌ها و دغدغه‌های افراد جامعه تغییر کرده است. شرایط اقتصادی و اجتماعی و چالش‌های آن به شکلی است که جامعه دیگر نمی‌تواند هر سیاست و تصمیم‌گیری را تجربه کند. جامعه به دلیل اینکه نتایج چنین رویکردی را در گذشته و به خصوص دولت احمدی نژاد مشاهده کرده نمی‌خواهد منتظر بماند که در آینده چه اتفاقی رخ خواهد داد. این در حالی است که بحران‌ها نیز پیچیده شده و با گذشته تفاوت پیدا کرده است. این در حالی است که جامعه ایران تجربه برجام را نیز از سر گذرانده و مشاهده کرده که اگر رویکرد متفاوتی نسبت به کشورهای جهان در پیش گرفته شود چه اتفاقات و پیامدهایی برای کشور و جامعه به وجود خواهد آمد. به همین دلیل تفاوتی بین رویکرد مدیران در دولت احمدی نژاد و رئیس‌ی وجود ندارد. در عنوان مثال آیا پس از در گذشت مرحوم رستم قاضی که وزیر دولت احمدی نژاد بود امروز در وزارت راه و شهرسازی تفاوتی مشاهده می‌شود؟ این وضعیت درباره دیگر وزارت‌خانه‌های دولت نیز وجود دارد. امروز اقتصاد ایران سیاسی شده و از سوی دیگر سیاست کشور نیز به مسائل بین‌المللی گره خورده است. مسائل داخلی ما به شکل‌های متفاوت با چالش‌های بین‌المللی گره خورده است. واقعیت این است که عبور از چالش‌های

کنونی کشور در توانایی برخی مدیرانی که آقای رئیس‌ی انتخاب کرده نیست. این در حالی است که جامعه امروز نیز تغییر کرده و حرف خود را می‌زند و دغدغه‌های متفاوتی پیدا کرده است. یک کارشناس مسائل آمریکا در پاسخ به این سوال که دلیل اصلی تداوم فضای توام با تعلیق و رکود برجام، به رغم برخی تحولات مثبت چیست؟ گفت: «بایستی توجه داشته باشیم که آمریکا صرفا برجام را نمی‌خواهد. دولت آمریکا پیشتر یک تصمیم اجماعی جهت خروج از برجام را گرفت. برجام، هم در میان جمهوری خواهان و هم دموکرات‌های آمریکایی منتقدان جدی دارد. نکته اصلی این است که آمریکا چیزی و رای نسخه اولیه به جام که در سال ۲۰۱۵ به امضای سیدرامی‌خواهد و تازمانی که خواسته‌هایش محقق نشوند، این کشور به توافق برجام باز نمی‌گردد و تحریم‌ها علیه ایران را نیز لغو نمی‌کند. امری‌علی ابوالفتح افزود: به طور خلاصه می‌توان گفت که آمریکایی‌ها خواهان «برجام پلاس» هستند. یعنی تغییر در برجام سال ۲۰۱۵ و انقاع برجام دوو سه و در این فضا، ایران تاکید دارد که اصل برجام، نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر مورد قبول این کشور است. ایران نهایتا با تغییراتی جزئی که به چارچوب اصلی توافق سال ۲۰۱۵ آسیب نزنند موافقت خواهد کرد. از این رو، باید اذعان کرد که فاصله میان خواسته‌های ایران و آمریکا به قدری زیادی است که بعید به نظر می‌رسد اروپایی‌ها، یا روس‌ها و یا چینی‌ها و یا دیگر طرف‌های بین‌المللی بتوانند اقدامی انجام دهند و مواضع تهران - واشنگتن را به یکدیگر نزدیک کنند. به بیان ساده‌تر، خیلی دور از انتظار است که آمریکایی‌ها حاضر شوند به برجام سال ۲۰۱۵ بازگردند و تحریم‌ها علیه ایران را بردارند و ما بار دیگر به فضای قبل از ۸ می‌سال ۲۰۱۸ بازگردیم. وی ادامه داد: اگر طرفین اصلی برجام را ایران و آمریکا در نظر بگیریم که واقعا نیز چنین است، برای این دو طرف، وضعیت چارومریمز جاری، هم فرصت و هم تهدید است. برای ایران از این بابت تهدید است، زیرا اقتصاد این کشور تحت فشار است. تحریم‌ها باقی می‌مانند. شاهد افزایش قیمت ارزهای خارجی و سخت‌تر شدن دسترسی‌س ایران به منابع خارجی بلوکه شده هستیم و اساسا می‌بینیم که ایران تا حد زیادی از فضای تجارت جهانی دور شده است. بااین حال، این وضعیت فرصت‌هایی را نیز ایجاد کرده است. وی تصریح کرد: برای آمریکایی‌ها فضای مشابهی حاکم است. از یکسو آمریکایی‌ها با شیخ نزدیک‌شدن ایران به صلاح‌های امنی رو به رو هستند و از سوی دیگر آمریکا با تحت فشار قرار دادن اقتصاد ایران، از اوج گیری قابل توجه قدرت اقتصادی این کشور مخصوصا در منطقه غرب آسیا جلوگیری می‌کند. فراموش نکنیم که ایران فضاهای قابل توجهی دارد و شکوفا شدن آن‌ها می‌تواند این کشور را به قطب اصلی اقتصادی منطقه غرب آسیا بدل کند و البته که آن را به الگویی برای کشورها و ملت‌هایی تبدیل کند که پس از یک دوره طولانی مقاومت در برابر آمریکا، توانسته‌اند رشد اقتصادی قابل ملاحظه‌ای را به ثبت برسانند. موضوعی که به هیچ عنوان مطلوب واشنگتن نیست. از این رو، تداوم روند جاری در برجام، هم برای ایران و هم آمریکا، حاصل فرصت و تهدیدهای مختلفی است و درست به همین دلیل هم است که می‌بینیم نوعی فضای سکوت حاکم است و نه از احیای برجام به صورت جدی سخن گفته می‌شود و نه مرگ قطعی این توافق اعلام می‌شود.

نگره چراگره توافق برجام بازمی‌شود؟

با وجود گذشت بیش از ۸ ماه از آخرین دور مذاکرات وین، فضای تعلیق برجامی همچنان ادامه دارد. در حالی‌که انتظار می‌رفت بعد از سفر رافائل گروسی به تهران در اسفند ماه ۱۴۰۱ گام‌هایی جدی در مسیر احیای برجام برداشته شود، پیشرفتی محسوس در این زمینه صورت نگرفته است. گزارش‌های اخیر روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال نیز از پیشرفت ناامید کننده توافقات در زمینه دوربین‌های نظارتی حکایت دارد. تنش‌زدایی میان ایران و عربستان برای از سرگیری مناسبات نیز با وجود استقبال ویژه از سوی کشورهای غربی، زمینه‌ساز گره‌گشایی در حوزه مذاکرات هسته‌ای نشده است. در مجموع، می‌توان از تداوم فضای تعلیق و سکوت پیرامون آینده برجام سخن به میان آورد.

ایران می‌تواند فضای تنفس تازه ایجاد کند

یک کارشناس مسائل آمریکا در پاسخ به این سوال که دلیل اصلی تداوم فضای توام با تعلیق و رکود برجام، به رغم برخی تحولات مثبت چیست؟ گفت: «بایستی توجه داشته باشیم که آمریکا صرفا برجام را نمی‌خواهد. دولت آمریکا پیشتر یک تصمیم اجماعی جهت خروج از برجام را گرفت. برجام، هم در میان جمهوری خواهان و هم دموکرات‌های آمریکایی منتقدان جدی دارد. نکته اصلی این است که آمریکا چیزی و رای نسخه اولیه به جام که در سال ۲۰۱۵ به امضای سیدرامی‌خواهد و تازمانی که خواسته‌هایش محقق نشوند، این کشور به توافق برجام باز نمی‌گردد و تحریم‌ها علیه ایران را نیز لغو نمی‌کند. امری‌علی ابوالفتح افزود: به طور خلاصه می‌توان گفت که آمریکایی‌ها خواهان «برجام پلاس» هستند. یعنی تغییر در برجام سال ۲۰۱۵ و انقاع برجام دوو سه و در این فضا، ایران تاکید دارد که اصل برجام، نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر مورد قبول این کشور است. ایران نهایتا با تغییراتی جزئی که به چارچوب اصلی توافق سال ۲۰۱۵ آسیب نزنند موافقت خواهد کرد. از این رو، باید اذعان کرد که فاصله میان خواسته‌های ایران و آمریکا به قدری زیادی است که بعید به نظر می‌رسد اروپایی‌ها، یا روس‌ها و یا چینی‌ها و یا دیگر طرف‌های بین‌المللی بتوانند اقدامی انجام دهند و مواضع تهران - واشنگتن را به یکدیگر نزدیک کنند. به بیان ساده‌تر، خیلی دور از انتظار است که آمریکایی‌ها حاضر شوند به برجام سال ۲۰۱۵ بازگردند و تحریم‌ها علیه ایران را بردارند و ما بار دیگر به فضای قبل از ۸ می‌سال ۲۰۱۸ بازگردیم. وی ادامه داد: اگر طرفین اصلی برجام را ایران و آمریکا در نظر بگیریم که واقعا نیز چنین است، برای این دو طرف، وضعیت چارومریمز جاری، هم فرصت و هم تهدید است. برای ایران از این بابت تهدید است، زیرا اقتصاد این کشور تحت فشار است. تحریم‌ها باقی می‌مانند. شاهد افزایش قیمت ارزهای خارجی و سخت‌تر شدن دسترسی‌س ایران به منابع خارجی بلوکه شده هستیم و اساسا می‌بینیم که ایران تا حد زیادی از فضای تجارت جهانی دور شده است. بااین حال، این وضعیت فرصت‌هایی را نیز ایجاد کرده است. وی تصریح کرد: برای آمریکایی‌ها فضای مشابهی حاکم است. از یکسو آمریکایی‌ها با شیخ نزدیک‌شدن ایران به صلاح‌های امنی رو به رو هستند و از سوی دیگر آمریکا با تحت فشار قرار دادن اقتصاد ایران، از اوج گیری قابل توجه قدرت اقتصادی این کشور مخصوصا در منطقه غرب آسیا جلوگیری می‌کند. فراموش نکنیم که ایران فضاهای قابل توجهی دارد و شکوفا شدن آن‌ها می‌تواند این کشور را به قطب اصلی اقتصادی منطقه غرب آسیا بدل کند و البته که آن را به الگویی برای کشورها و ملت‌هایی تبدیل کند که پس از یک دوره طولانی مقاومت در برابر آمریکا، توانسته‌اند رشد اقتصادی قابل ملاحظه‌ای را به ثبت برسانند. موضوعی که به هیچ عنوان مطلوب واشنگتن نیست. از این رو، تداوم روند جاری در برجام، هم برای ایران و هم آمریکا، حاصل فرصت و تهدیدهای مختلفی است و درست به همین دلیل هم است که می‌بینیم نوعی فضای سکوت حاکم است و نه از احیای برجام به صورت جدی سخن گفته می‌شود و نه مرگ قطعی این توافق اعلام می‌شود.

تداوم وضعیت پرتنش هز نیه‌زا خواهد بود

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل در توضیح دلایل وضعیت سکون و رکود جاری در قالب معادله برجام گفت: من دلیل اصلی تعلیق جاری را این می‌دانم که در مواضع ایران و آمریکا در داشته باشیم که مثلا تنش‌زدایی میان ایران و عربستان که اخیرا اتفاق افتاده، یک خواسته دوجانبه بوده که البته امکان بهره‌ر از داری تجاری و بازرگانی را برای ایران فراهم نمی‌کند. زیرا ایران نه FATF را پذیرفته و نه در نظام مالی بین‌المللی در شرایط کنونی فعال است و حضور دارد. فریدون مجلسی در توضیح نتایج پیامدهای تداوم روند کنونی در معادله برجام گفت: به نظر من تداوم روند جاری در برجام صرفا تا شهریورماه سال کنونی امکان پذیر است، زیرا در این تاریخ، دوران برجام به پایان می‌رسد و غرب در مورد فضای پس از آن نگرانی دارد و ایران نیز شاید این نگاه را داشته باشد که محدودیت‌ها از پیش پایش برداشته شده‌اند.